

The effect of perceived parenting styles on religion attitude and emotional intelligence of high-school girl students

Monireh Amiri¹, Anahita khodabakhshi koolae^{2*}, Zabih Pirani¹

1- Department of Counseling, branch of Arak, Islamic Azad University, Arak, Iran.

2- Department of Counseling And psychology, Human Science Faculty, Khatam University, Tehran, Iran.

Abstract

Background and Objectives: Religious attitudes and emotional intelligence of students can be changed under parenting styles. Propose of this study was to investigate the effect of perceived parenting styles on religion attitude and emotional intelligence of high-school girl students in 2014.

Materials and Methods: The statistical society of research was the high-school girls in 2014 in Arak city, 87 of them were selected by multistage cluster sampling. Participants answered the two questionnaires including emotional intelligence, religion attitude (Baraheni) questionnaires. The mothers of participants replied to parenting styles questionnaire, Baumrind questionnaire. The data were analyzed by multi-variety regression and Pearson correlation.

Results: The results showed permissive parenting style had negative significant correlation with religion attitude and emotional intelligence. In addition, authoritarian parenting had no relationship with the emotional intelligence, while the authoritative parenting style had positive correlation with emotional intelligence and religion attitude of students.

Conclusion: The findings revealed that the authoritative parenting leads to more emotional intelligence and religion attitude of students that facing the problems life while in the case of permissive parenting is the opposite.

Keywords: Parenting Styles, Religion Attitude, Emotional Intelligence, Girl Students

تأثیر شیوه‌های فرزندپروری ادراک شده بر نگرش مذهبی و هوش هیجانی دانش‌آموزان دختر

منیره امیری^۱، آناهیتا خدابخشی کولایی^{۲*}، ذبیح پیرانی^۱

۱- گروه مشاوره، واحد اراک، دانشگاه آزاداسلامی، اراک، ایران.

۲- گروه مشاوره و روان‌شناسی، دانشکده‌ی علوم انسانی، دانشگاه خاتم، تهران، ایران.

چکیده

سابقه و اهداف: نگرش مذهبی و هوش هیجانی دانش‌آموزان می‌تواند متأثر از روند فرزندپروری والدین، تغییر کند. هدف تحقیق حاضر، بررسی تأثیر شیوه‌های فرزندپروری ادراک شده بر نگرش مذهبی و هوش هیجانی دانش‌آموزان دختر پایه‌ی هشتم متوسطه‌ی اول شهر اراک (در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳) بوده است.

مواد و روش‌ها: جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر، دانش‌آموزان دختر پایه‌ی هشتم متوسطه‌ی شهر اراک بوده‌اند، که ۸۷ نفر از آن‌ها به روش نمونه‌گیری خوشه‌ی چندمرحله‌ی برای انجام این پژوهش انتخاب شدند. سپس پرسش‌نامه‌ی هوش هیجانی «شرینگ» و پرسش‌نامه‌ی «نگرش مذهبی براهنی» بر روی دانش‌آموزان؛ و پرسش‌نامه‌ی شیوه‌های فرزندپروری «بامریند» بر روی والدین آن‌ها اجرا شد. داده‌های جمع‌آوری با استفاده از روش آماری تحلیل رگرسیون چندمتغیره و ضریب همبستگی پیرسون، با نرم‌افزار spss تحلیل شد.

یافته‌ها: نتیجه‌های تحقیق نشان داد، از میان متغیرهای شیوه‌های فرزندپروری، شیوه‌ی فرزندپروری سهل‌گیر، رابطه‌ی معنی‌دار منفی و معکوسی با هوش هیجانی و نگرش مذهبی دارد؛ و شیوه‌ی فرزندپروری مستبدانه، رابطه‌ی معنی‌دار منفی و معکوسی با هوش هیجانی دارد. به بیان دیگر، هر قدر شیوه‌ی فرزندپروری مستبدانه‌تر باشد، هوش هیجانی دانش‌آموزان نیز کم‌تر خواهد بود. همچنین مشخص شد که شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه، رابطه‌ی معنی‌دار مثبت با نگرش مذهبی و هوش هیجانی دارد.

نتیجه‌گیری: روش فرزندپروری مقتدرانه می‌تواند به نگرش مذهبی و هوش هیجانی بالای دانش‌آموزان منتهی شود، در حالی که روش فرزندپروری سهل‌گیرانه به نگرش مذهبی و هوش هیجانی کم‌تر منجر می‌شود.

واژگان کلیدی: شیوه‌های فرزندپروری، هوش هیجانی، نگرش مذهبی و دانش‌آموزان

مقدمه

متقابل والد-فرزند، در موقعیت‌های متفاوت و گسترده است؛ و این‌گونه فرض می‌شود که موجب ایجاد یک فضای تعامل گسترده می‌شود.

بامریند^۱ از سبک‌های فرزندپروری مستبد، مقتدر و سهل-گیر نام برده است. بر اساس نظریه‌ی بامریند، سبک‌های فرزندپروری، واسطه‌هایی است که بین متغیرهای هنجاری والدین و جامعه‌پذیری کودکانشان عمل می‌کند. سبک‌های

وجود رابطه‌ی مطلوب بین والدین و فرزندان، در سلامت روانی فرزندان تأثیر فراوانی دارد. درواقع پایه و اساس شیوه‌ی فرزندپروری، تلاش‌های والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکان است (۱). بیش‌تر روان‌شناسان، صرف‌نظر از مکتبی که به آن معتقدند، کنش‌های متقابل بین والدین و فرزندان را اساس تحول عاطفی تلقی می‌کنند (۲). سبک‌های فرزندپروری، مجموعه‌ی از رفتارهایی است که تعیین‌کننده‌ی ارتباط

¹ Baumrind

* نویسنده‌ی مسئول مکاتبات: آناهیتا خدابخشی کولایی؛

پست الکترونیک: a.khodabakhshid@khatam.ac.ir

تازگی نیز روان‌شناسان مذهب، حمایت‌های تجربی بسیاری را در این زمینه جلب کرده‌اند (۸). بنابراین به نظر می‌رسد که مذهبی‌بودن و روحیه و رفتار دینی داشتن، بخشی از ویژگی‌های شخصیتهای به حساب می‌آید و باید به مطالعه‌ی رابطه آن‌ها با دیگر سازه‌های روانی پرداخته شود. از سویی، روان‌شناسانی که در حوزه‌ی سازه‌های روانی مطالعه کرده‌اند، هوش هیجانی را عاملی مهم در زندگی افراد به شمار آورده‌اند و استفاده از اصول مذهبی و اخلاقی را در رشد و پیشرفت افراد یادآور شده‌اند (۹).

بر اساس یافته‌های اخیر، از جمله مسئله‌هایی که در بهبود زندگی بشر تأثیر مستقیم دارد، مقوله‌ی هوش هیجانی است. به مدت بیش از یک‌صد سال، بهره‌ی هوشی تنها شاخص برای نشان دادن توانایی یادگیری و موفقیت فردی به شمار می‌آمد. اما این مسئله در سال‌های اخیر مورد بحث و چالش محفل‌های علمی قرار گرفته است و با عمیق‌تر شدن درک بشر از مقوله‌ی هوش انسانی، ایده‌ی جدیدی از هوش مطرح شده که می‌توان ریشه‌های آن را در نظریه‌های عاملی هوش جستجو کرد. این نوع هوش که به هوش هیجانی معروف است، بر اساس نظریه‌های روان‌شناسانی همچون گاردنر، سالووی، مایر و گلن شکل گرفته است (۱۰). مفهوم هوش هیجانی به چگونگی سازگاری و موفقیت افراد در موقعیت‌های زندگی اشاره دارد. نظریه‌های هوش هیجانی، حوزه‌ی وسیعی از توانایی‌های مرتبط با شناخت و به‌کارگیری هیجان‌ها را توجیه می‌کند و بیان می‌کند که هوش هیجانی در عملکرد روزانه، اغلب مهم‌تر از هوش شناختی است.

از دیدگاه سالووی و مایر، هوش هیجانی عبارت است از توانایی آگاهی، تشخیص و تفکیک احساسات خود و دیگران؛ و همچنین، استفاده از دانش هیجانی است در جهت هدایت تفکر خود در ارتباط بین فردی. هوش هیجانی، مفهومی است یادگیری‌پذیر و بر خلاف بهره‌ی هوشی، که در طول زندگی سطح آن تقریباً ثابت و ایستا است، هوش هیجانی توسعه‌پذیر است و می‌تواند رشد کند.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت که معیارهای تشکیل‌دهنده‌ی هوش هیجانی عبارت است از: خودآگاهی، خودمدیریتی، آگاهی اجتماعی و مدیریت رابطه (۱۱). در همین جهت، متجاویس و همکاران^۱ نشان دادند که رابطه‌ی معناداری بین شیوه‌های فرزندپروری، با عملکرد و پیشرفت تحصیلی جوانان وجود دارد (۱۲). ذبیح الهی و همکاران نیز دریافته‌اند، رابطه‌ی معناداری بین سبک‌های فرزندپروری ادراک شده و هوش

فرزندپروری، هم دارای نقش حمایتی است و هم می‌تواند غیرحمایتی عمل کند، که البته پیامد به‌کارگیری هر یک از آن‌ها، تأثیری متفاوت در تحول کودک دارد (۳). والدینی با شیوه‌ی فرزندپروری مستبدانه، سبک محدودکننده و تنبیه‌کننده دارند. آنان همچنین محدودیت‌های سنگینی را برای کنترل فرزند خود تعیین می‌کنند. بر عکس، والدین با شیوه‌ی سهل‌گیر نسبت به کودک بی‌توجه هستند و در همین جهت، تقاضاها و انتظارات خیلی کمی از فرزند دارند. محققان اشاره کرده‌اند که شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه، در مقایسه با شیوه‌ی های فرزندپروری سهل‌گیر و مستبد، بهترین نوع شیوه‌ی فرزندپروری است، که نتیجه‌های روان‌شناختی مثبت را برای کودک و نوجوان به همراه خواهد داشت (۴).

در این میان باورهای مذهبی، فرآیندی است که کودک در خانواده آن را کسب می‌کند. نگرش‌ها و باورهای مذهبی هر فرد ریشه در باورهای خانوادگی او دارد. مذهب که مجموعه‌ی اعتقادات، بایدها و نبایدها و نیز ارزش‌های اختصاصی و تعمیم‌یافته است، از مؤثرترین تکیه‌گاه‌های روانی به شمار می‌رود که قادر است معنای زندگی را در لحظه لحظه‌ی عمر فراهم کند و در شرایط خاص نیز می‌تواند با فراهم‌سازی تکیه‌گاه‌های تبیینی، فرد را از تعلیق و بی‌معنایی نجات دهد. افرادی که باورهای مذهبی قوی دارند، در برخوردهای اجتماعی نیز قوی عمل می‌کنند و شایستگی‌های بالاتری از خود نشان می‌دهند (۵). رفتارها و نگرش‌های مذهبی، تأثیر مثبتی در معنادار کردن زندگی دارد. رفتارهایی مانند توکل به خداوند، عبادت و زیارت می‌تواند با ایجاد امید و تشویق به نگرش‌های مثبت، موجب آرامش درونی فرد شود. داشتن معنا و هدف در زندگی، احساس تعلق داشتن به منبعی والا، امیدواری به یاری خداوند در شرایط مشکل‌زای زندگی و بهره‌مندی از حمایت‌های اجتماعی و معنوی، همگی از جمله روش‌هایی است که افراد مذهبی با دارا بودن آن‌ها می‌توانند در مواجهه با حوادث فشارزای زندگی، آسیب کم‌تری را متحمل شوند (۶).

باور به اینکه خدایی هست که موقعیت‌ها را کنترل می‌کند و ناظر بر بندگان است، تا حد بسیاری، اضطراب مرتبط با موقعیت را کاهش می‌دهد (۷). به بیانی دیگر، نگرش مثبت به مذهب می‌تواند در تمامی موقعیت‌ها، نقش مؤثری در استرس‌زدایی داشته باشد و در ارزیابی موقعیت، ارزیابی شناختی فرد، فعالیت‌های مقابله و منابع حمایتی، سبب کاهش گرفتاری روانی شود. بر این اساس، مدت‌ها است که تصور می‌شود بین نگرش مذهبی و سلامت روان، ارتباط مثبتی وجود دارد و به

¹ Matejevic

پرسش‌نامه‌ی فرزندپروری بامریند^۵: فرم اولیه‌ی این پرسش‌نامه دارای ۳۰ گویه است که دینا بامریند آن را طراحی کرده و ساخته است. این پرسش‌نامه را حسین پور ترجمه کرده است (۱۸). بوری برای بررسی اعتبار و روایی این پرسش‌نامه، از روش «افتراقی» استفاده کرد و دید که شیوه‌ی استبدادی، رابطه‌ی منفی با سهل‌گیری ($r = -0/38$) و اقتدار منطقی ($r = 0/48$) دارد. همچنین وی برای محاسبه‌ی پایایی، از روش «بازآزمایی» استفاده کرد و این نتیجه‌ها را به دست آورد: ۰/۸۱ برای شیوه‌ی سهل‌گیرانه؛ ۰/۸۶ برای شیوه‌ی استبدادی؛ و ۰/۷۸ برای شیوه‌ی اقتداری. بوری «ثبات درونی» را هم با استفاده از فرمول «آلفای کرونباخ» محاسبه کرد، که ۰/۷۵ برای شیوه‌ی سهل‌گیری؛ ۰/۸۵ برای شیوه‌ی استبدادی؛ و ۰/۸۲ برای شیوه‌ی اقتدار منطقی به دست آمد (۱۹).

پرسش‌نامه‌ی هوش هیجانی شرینگ^۳: برای سنجش هوش هیجانی دانش‌آموزان، از پرسش‌نامه‌ی هوش هیجانی شرینگ استفاده شد. این پرسش‌نامه دارای پنج بُعد خودآگاهی، خودکنترلی، خودانگیزی، مهارت‌های اجتماعی و هوشیاری اجتماعی است. پرسش‌نامه‌ی هوش اجتماعی شرینگ دارای ۳۳ سؤال است. منصوری در پژوهش خود، این آزمون را هنجاریابی کرده و میزان هماهنگی درونی این مقیاس را بر اساس آلفای کرونباخ، $a = 0/86$ به دست آورده، که در سطح مقبولی است. در پژوهشی با استفاده از روش بازآزمایی بر روی ۲۸ نفر از دانشجویان، با فاصله‌ی قانونی دو هفته‌ی پرسش‌نامه‌ی هوش هیجانی شرینگ را اجرا کردند و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، نتیجه ۰/۸۱ به دست آمد. از این رو قابلیت پرسش‌نامه را بر حسب آلفای کرونباخ، آستین و مک کینی و آستین مینسکی، ۰/۸۴ تا ۹۰ به دست آوردند (۲۰).

پرسش‌نامه‌ی نگرش مذهبی^۴ براهنی: این پرسش‌نامه را براهنی ساخته و دارای ۲۵ سؤال است، که در طیف لیکرت نمره‌گذاری می‌شوند. مقادیر پایایی، با روش آلفای کرونباخ در اندازه‌های مربوط به کل کشور، معادل ۰/۸۲ به دست آمده است. فیروز صمدی و همکاران در پژوهشی، برای سنجش اعتبار پرسش‌نامه‌ی نگرش مذهبی براهنی، با استفاده از روش بازآزمایی در طول یک هفته، در دو زمان بر روی گروهی مشخص پرسش‌نامه را اجرا کردند. سپس با استفاده از آلفای کرونباخ، ضریب به دست آمده برابر با ۰/۹۰ بود که نشان‌دهنده‌ی اعتبار مناسب این پرسش‌نامه بوده است (۲۱).

هیجانی، با ناتوانی در خواندن و نوشتن وجود دارد (۱۳). عباسی و روشن چسلی در تحقیقی آشکار کردند که رابطه‌ی معناداری بین باورهای مذهبی و هوش هیجانی در دانش‌آموزان وجود دارد (۱۴). کوشکی و خلیلی‌فر نیز نشان دادند، رابطه‌ی معناداری بین نگرش مذهبی با منبع کنترل در فرد وجود دارد (۱۵). نونیمیکر، مکنلی و بلوم^۱ در تحقیقی با هدف بررسی رابطه‌ی بین دین‌داری با سلامت روانی نوجوانان، به این نتیجه رسیدند که دین‌داری نوجوانان را در برابر رفتارهای هیجانی مانند سیگارکشیدن، نوشیدن الکل، مصرف ماری‌جوانا و برقراری رابطه‌های جنسی نامتعارف، محافظت می‌کند (۱۶). پیک^۲ در پژوهشی نشان داد، رابطه‌ی معناداری بین نگرش مذهبی با معیارهای روانی - اجتماعی و هوش هیجانی وجود دارد (۱۷). باباپورخیرالدینی و همکاران نیز دریافتند که رابطه‌ی معناداری بین شیوه‌های فرزندپروری، با هویت‌یابی در نوجوانان وجود دارد (۱۸).

با توجه به آنچه تا کنون گفته شد، می‌توان تأکید کرد که شیوه‌های فرزندپروری و تعامل والدین با نوجوانان، تأثیر فراوانی بر حرمت خود، شناخت، ادراک و تنظیم هیجان‌ها و نگرش مذهبی فرزندان در آینده دارد. بسیاری از ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری نوجوانان، ناشی از برخی عامل‌های خانوادگی، از جمله نوع تعامل‌های والدین با نوجوانان است. بنابراین هدف کلی تحقیق حاضر، پیش‌بینی شیوه‌های فرزندپروری بر اساس نگرش مذهبی و هوش هیجانی بوده است.

مواد و روش‌ها

روش تحقیق حاضر، از نوع توصیفی و همبستگی است. جامعه‌ی آماری تحقیق حاضر نیز، کلیه‌ی دانش‌آموزان دختر پایه‌ی هشتم متوسطه‌ی اول شهر اراک بوده‌اند که در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ درس می‌خواندند. در این مطالعه، تعداد ۸۷ نفر دانش‌آموز از میان ۱۳۲۴ دانش‌آموز، به روش نمونه‌گیری خوشه‌ی چندمرحله‌ی، برای نمونه انتخاب شدند؛ بدین ترتیب که به‌طور تصادفی از میان منطقه‌های پنج‌گانه‌ی شهر (شمال، جنوب، مرکز، شرق و غرب)، منطقه‌ی غرب شهر (دارای چهار مدرسه‌ی متوسطه‌ی اول دخترانه) انتخاب شد و به‌صورت تصادفی ساده، سه مدرسه برای نمونه، با حجم و شمار ۸۷ نفر، در پایه‌ی هشتم متوسطه‌ی اول انتخاب شد. ابزارهای اندازه‌گیری در این پژوهش نیز عبارت بوده است از:

³ emotional intelligence Shring

⁴ Religious Attitude

¹ Nonnemaker, McNeely&Blum

² Paek

یافته‌ها

جدول شماره‌ی ۱ شاخص‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه را، از جمله میانگین و انحراف معیار نمره‌های آزمودنی-ها، نشان می‌دهد.

برای توصیف داده‌ها در تحقیق حاضر، از شاخص‌های آمار توصیفی (میانگین، محاسبه‌ی فراوانی، انحراف معیار) و آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون، برای آزمون فرضیه‌ها؛ و ضریب رگرسیون چندمتغیره، برای سؤال اصلی پژوهش) استفاده شد. سپس داده‌ها با نرم افزار spss (نسخه‌ی ۱۹) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

جدول ۱. پارامترهای توصیفی درباره‌ی متغیرهای مورد پژوهش

متغیرها	حجم نمونه	میانگین	انحراف استاندارد	حد اقل نمره	حداکثر نمره
شیوه‌ی فرزندپروری سهل‌گیر	۸۷	۱/۴۰	۰/۶۰۳	۱	۳/۳۶
شیوه‌ی فرزندپروری مستبدانه	۸۷	۱/۴۳	۰/۵۸۴	۱	۳/۳۰
شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه	۸۷	۱/۷۷	۰/۸۳	۰	۳/۳۲
نمره‌ی کل	۸۷	۴/۶	۰/۵۶	۲/۱۰	۵/۷۱
نگرش مذهبی	۸۷	۶/۴۹	۱۵/۳	۳۴	۹۶
هوش هیجانی	۸۷	۸۵/۵۴	۲۳/۷۳۶	۵۱	۱۴۵

جدول ۲. ضریب همبستگی رگرسیون چندگانه

ضریب همبستگی	مجذور ضریب همبستگی	مجذور ضریب همبستگی اصلاح شده
۰/۴۷۸	۰/۲۲۸	۰/۲۰۸

پیش‌بینی کنند. با توجه به $F(۲و۸۵)=۱۱/۳۸$ و $P\leq ۰/۰۰۱$ ، متغیرهای نگرش مذهبی و هوش هیجانی، شیوه‌های فرزندپروری را پیش‌بینی می‌کنند.

ضریب همبستگی رگرسیون چندگانه برابر است با ۰/۴۷۸، که همبستگی متوسطی را نشان می‌دهد. میزان مجذور ضریب همبستگی، که برابر با ۰/۲۲۸، بیانگر این است که حدود ۲۲ درصد از واریانس متغیر ملاک را متغیرهای پیش‌بین می‌توانند

جدول ۳. ضریب رگرسیون متغیرها

مدل	B	خطای معیار	بتا	T	سطح معناداری
مقدار ثابت	۴/۲۵۳	۰/۳۱۴		۱۳/۵۵۹	۰/۰۰۰
نگرش مذهبی	۰/۰۷۱	۰/۴۵۴	۰/۱۲۰	۰/۱۸۵	۰/۰۰۳
هوش هیجانی	۱/۰۰۳	۱/۳۱۹	۰/۱۷۶	۰/۳۱۴	۰/۰۱

$$\text{(هوش هیجانی)} (۱/۰۰۳) + \text{(نگرش مذهبی)} (۰/۰۷۱) + ۴/۲۳۵ = \text{شیوه‌های فرزندپروری}$$

(هوش هیجانی) (۱/۰۰۳) + (نگرش مذهبی) (۰/۰۷۱) = ۴/۲۳۵ شیوه‌های فرزندپروری. ضریب‌های مدل رگرسیون نشان می‌دهد که مؤلفه‌های نگرش مذهبی و هوش هیجانی دانش آموزان می‌تواند شیوه‌های فرزندپروری را پیش‌بینی کند.

نتیجه‌های جدول شماره‌ی ۳ نشان می‌دهد که انحراف معیار تغییر هم‌زمان در مؤلفه‌ی نگرش مذهبی و هوش هیجانی، به ترتیب سبب ۰/۱۲ و ۰/۱۷ انحراف معیار تغییر در شیوه‌های فرزندپروری می‌شود. بدین ترتیب معادله‌ی پیش‌بینی شیوه‌های فرزندپروری را بر اساس مؤلفه‌های نگرش مذهبی و هوش هیجانی دانش آموزان، می‌توان به شرح ذیل نوشت:

جدول ۴. ضریب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

نگرش مذهبی	شیوه‌ی فرزندپروری سهل‌گیر	هوش هیجانی
۱	۰/۶۵۳	۱
ضریب همبستگی پیرسون نگرش مذهبی	۰/۰۰۰	۱
سطح معناداری		

تعداد	۸۷	۸۷	۸۷
ضریب همبستگی پیرسون شیوهی فرزندپروری سهل گیر	-۰/۴۶۶	۱	-۰/۶۵۳
سطح معناداری	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰۱	
تعداد	۸۷	۸۷	۸۷
ضریب همبستگی پیرسون هوش هیجانی	۱	-۰/۴۶۶	۱
سطح معناداری		۰/۰۰۱	
تعداد	۸۷	۸۷	۸۷

همچنین، نتیجه‌ی جدول بالا نشان می‌دهد که سطح معناداری مشاهده شده در جدول، کوچک‌تر از سطح معناداری ۰/۰۵ است ($t = -0/466$ و $sig = 0/001$). بنابراین، فرض صفر رد می‌شود و در نتیجه، بین هوش هیجانی و شیوهی فرزندپروری سهل‌گیر رابطه‌ی معناداری وجود دارد؛ و چون ضریب همبستگی مشاهده شده، $-0/466$ منفی است، بنابراین در این فرضیه، همبستگی متوسط و معکوسی وجود دارد؛ یعنی با افزایش یک متغیر، متغیر دیگر کاهش می‌یابد و برعکس. به بیان دیگر، هر قدر شیوهی فرزندپروری سهل‌گیرتر باشد، هوش هیجانی نیز در دانش‌آموزان کم‌تر خواهد بود و برعکس.

نتیجه‌ی جدول بالا نشان می‌دهد که سطح معناداری مشاهده شده در جدول، کوچک‌تر از سطح معناداری ۰/۰۵ است ($t = -0/653$ و $P < 0/001$). بنابراین فرض صفر رد می‌شود و در نتیجه، بین نگرش مذهبی و شیوهی فرزندپروری سهل‌گیر رابطه‌ی معناداری وجود دارد؛ و چون ضریب همبستگی مشاهده شده، $-0/653$ منفی است، بنابراین در این فرضیه، همبستگی بالا و معکوسی وجود دارد، یعنی با افزایش یک متغیر، متغیر دیگر کاهش می‌یابد و برعکس. به عبارت دیگر، هر قدر شیوهی فرزندپروری سهل‌گیرتر باشد (یعنی رها بودن فرزندان)، نگرش مذهبی نیز در دانش‌آموزان کم‌تر خواهد بود و برعکس.

جدول ۵. ضریب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

ضریب همبستگی پیرسون نگرش مذهبی	۱	۰/۵۲۹	شيوه‌ی فرزندپروری مستبدانه	۱	هوش هیجانی
سطح معناداری		۰/۰۰			
تعداد	۸۷	۸۷	۸۷	۸۷	۸۷
ضریب همبستگی پیرسون شیوهی فرزندپروری مستبدانه	۰/۵۲۹	۱	-۰/۳۷۵	۱	هوش هیجانی
سطح معناداری	۰/۰۰۱		۰/۰۰۳		
تعداد	۸۷	۸۷	۸۷	۸۷	۸۷
ضریب همبستگی پیرسون هوش هیجانی	۱	-۰/۳۷۵	۱	۱	هوش هیجانی
سطح معناداری		۰/۰۰۳			
تعداد	۸۷	۸۷	۸۷	۸۷	۸۷

$t = -0/375$. بنابراین فرض صفر رد می‌شود و در نتیجه، بین هوش هیجانی و شیوهی فرزندپروری مستبدانه، رابطه‌ی معناداری وجود دارد و چون ضریب همبستگی مشاهده شده، $-0/375$ منفی است، بنابراین در این فرضیه، همبستگی متوسط معکوس معناداری وجود دارد، یعنی با افزایش یک متغیر، متغیر دیگر کاهش می‌یابد و برعکس. به عبارت دیگر، هر قدر شیوهی فرزندپروری مستبدانه‌تر باشد (یعنی فشار بیش‌تر بر فرزندان)، هوش هیجانی نیز در دانش‌آموزان کم‌تر خواهد بود و برعکس.

نتیجه‌های جدول بالا نشان می‌دهد که سطح معناداری مشاهده شده در جدول، کوچک‌تر از سطح معناداری ۰/۰۵ است ($t = 0/529$ و $P < 0/001$). بنابراین، فرض صفر رد می‌شود و در نتیجه بین نگرش مذهبی و شیوهی فرزندپروری مستبدانه، رابطه‌ی معناداری وجود دارد؛ چون ضریب همبستگی مشاهده شده، $0/529$ مثبت می‌باشد. همچنین، نتیجه‌های جدول بالا نشان می‌دهد که سطح معناداری مشاهده شده در جدول، کوچک‌تر از سطح معناداری ۰/۰۵ است ($sig = 0/003$ و $-0/375$).

جدول ۶. ضریب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

ضریب همبستگی پیرسون نگرش مذهبی	۱	۰/۱۳۹	شيوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه	۱	هوش هیجانی
سطح معناداری		۰/۰۲۱			

تعداد	۸۷	۸۷	۸۷
ضریب همبستگی پیرسون شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه	۰/۱۳۹	۱	۰/۷۰۴
سطح معناداری	۰/۰۲۱		۰/۰۰۱
تعداد	۸۷	۸۷	۸۷
ضریب همبستگی پیرسون هوش هیجانی	۱	۰/۷۰۴	۱
سطح معناداری		۰/۰۰۰	
تعداد	۸۷	۸۷	۸۷

برخوردار بوده‌اند، دارای والدین مستبدي هستند. از سویی، هوش هیجانی بالا در کودکان، نشان‌دهنده‌ی والدین با شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه بوده است، بنابراین، نگرش مذهبی و هوش هیجانی می‌تواند شیوه‌های فرزندپروری را در دانش-آموزان پیش‌بینی کند.

از سوی دیگر، نتیجه‌ی دیگر تحقیق نشان داد که بین شیوه‌ی فرزندپروری سهل‌گیر با نگرش مذهبی دانش‌آموزان دختر پایه‌ی هشتم متوسطه‌ی اول، رابطه‌ی معناداری وجود دارد. این نتیجه با یافته‌های مطالعه‌های دیگر نیز همسو است (۱۷، ۲۱، ۲۳، ۲۵، ۲۶ و ۳۳). والدین سهل‌گیر از نظر پذیرندگی - پاسخ‌دهندگی، در سطح بالا؛ و از نظر درخواست و کنترل، در سطح پایینی هستند. آن‌ها در خانه قانون‌های خاصی ندارند و فرزندان آن‌ها ممکن است دچار مشکل‌های روانی و رفتاری شوند (۳۶). نتیجه‌ها نشان داد که هرچه والدین در سبک فرزندپروری خود، سهل‌گیرتر باشند، فرزندان آن‌ها نگرش مذهبی و ارزشی پایین‌تری دارند.

نتیجه‌ی دیگر تحقیق آشکار کرد که بین شیوه‌های فرزندپروری سهل‌گیر با هوش هیجانی در دانش‌آموزان دختر پایه‌ی هشتم متوسطه‌ی اول، رابطه‌ی معناداری وجود دارد. بنابراین، نتیجه‌ی این فرض از تحقیق نیز با یافته‌های مطالعه‌های پیشین، سازگار است (۱۳، ۱۷، ۲۱، ۲۴، ۲۶، ۲۷، ۲۸ و ۳۵).

هوش هیجانی، نوعی توانایی است که موجب افزایش تسلط ما بر هیجان‌ها و عاطفه‌های خویش می‌شود. همچنین، هوش هیجانی با شناخت فرد از خویش و دیگران، موجب سازگاری و انطباق با محیط پیرامون می‌شود، که این، برای موفق شدن در برآوردن خواست‌های اجتماعی، لازم است. بنابراین، شیوه‌های فرزندپروری می‌تواند هوش هیجانی را دستخوش تغییرهایی کند. پس می‌توان گفت که خانواده‌های دارای شیوه‌ی فرزندپروری سهل‌گیر، دارای فرزندان با هوش هیجانی پایین‌تری هستند.

نتیجه‌ی دیگر تحقیق نشان‌دهنده‌ی رابطه معنادار بین شیوه‌های فرزندپروری مستبدانه با نگرش مذهبی در دانش-آموزان دختر پایه‌ی هشتم متوسطه‌ی اول است، که نتیجه‌ی

نتیجه‌ی جدول بالا نشان می‌دهد که سطح معناداری مشاهده شده در جدول، کوچک‌تر از سطح معناداری ۰/۰۵ است ($P=0/021$ و $t=0/139$). بنابراین، فرض صفر رد می‌شود و در نتیجه، بین نگرش مذهبی و شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه، رابطه‌ی معناداری وجود دارد. نتیجه‌های جدول بالا نشان می‌دهد که سطح معناداری مشاهده شده در جدول، کوچک‌تر از سطح معناداری ۰/۰۵ است ($p < 0/001$ و $t=0/704$). بنابراین، فرض صفر رد می‌شود و در نتیجه، بین هوش هیجانی و شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه، رابطه‌ی معناداری وجود دارد؛ و چون ضریب همبستگی مشاهده شده، ۰/۷۰۴ مثبت است، بنابراین در این فرضیه، همبستگی بالا و معناداری وجود دارد. به عبارت بهتر، با افزایش یک متغیر، متغیر دیگر افزایش می‌یابد؛ یعنی هر قدر شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه‌تر باشد (قاطع‌تر و اطمینان‌بخش‌تر)، هوش هیجانی نیز در دانش‌آموزان بیشتر می‌شود و برعکس.

بحث

پژوهش حاضر به منظور بررسی رابطه‌ی بین شیوه‌های فرزند-پروری ادراک شده بر نگرش مذهبی و هوش هیجانی دانش-آموزان دختر انجام شد. نتیجه‌ی تحقیق حاضر نشان می‌دهد، بین شیوه‌های فرزندپروری با نگرش مذهبی و هوش هیجانی در دانش‌آموزان دختر پایه‌ی هشتم متوسطه‌ی اول، رابطه وجود دارد. این نتیجه‌ها با یافته‌های پژوهش‌های پیشین، همسو است (۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۷ و ۲۱-۳۱).

خانواده، نخستین پایگاهی است که پیوند بین کودک و محیط اطراف او را به وجود می‌آورد. کودک در خانواده است که پندارهای اولیه را درباره‌ی جهان فرا می‌گیرد؛ از نظر ذهنی و جسمی رشد می‌یابد؛ شیوه‌های سخن گفتن را می‌آموزد و هنجارهای اساسی رفتار را یاد می‌گیرد و به عبارتی اجتماعی می‌شود (۳۲). بنابراین، کودک رفتارهای مذهبی را در خانواده از والدین تقلید می‌کند و از آنجا که هوش هیجانی، توانایی شناختی فرد است، بنابراین هوش هیجانی نیز می‌تواند تحت تأثیر شیوه‌های فرزندپروری والدین قرار گیرد. از این‌رو، می‌توان این چنین گفت، کودکانی که از نگرش مذهبی بالایی

مذهبی کودکان با اعتقادات والدین همسو نیست؛ بدین معنا که خود کودک است که بر اساس شناخت، آگاهی و کمک والدین، نگرش مذهبی خود را مشخص می‌کند.

از نتیجه‌های دیگر تحقیق حاضر، وجود رابطه‌ی معناداری بین شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه با هوش هیجانی در دانش-آموزان دختر پایه‌ی هشتم متوسطه اول است، که این نتیجه با یافته‌های مطالعه‌های قبلی، همسو است (۱۳، ۲۳، ۲۸-۳۱). والدین مقتدر در تأکید قانون‌ها و اهمیت فرمانبرداری فرزندان، ثابت‌قدم هستند. آنان رفتار رشدیافته از فرزندان انتظار دارند و در عین حال حقوق آن‌ها را به رسمیت می‌شناسند. فرزندان این والدین، پیشرفت تحصیلی، معیارهای اخلاقی درونی، اعتماد به نفس، خودباوری و بلوغ اجتماعی بالایی دارند و در انجام تکلیف، استقامت زیادی نشان می‌دهند (۳۶). بنابراین، می‌توان گفت کودک با استفاده از کمک والدین و شناخت خود، به هویتی کسب شده دست خواهد یافت و می‌تواند رفتار دیگران را تحت تأثیر قرار دهد. از این‌رو، با توجه به نتیجه‌ی این پژوهش، می‌توان گفت که هرچه سبک فرزندپروری مقتدرانه بالاتر باشد، هوش هیجانی نیز در فرزندان بالاتر است، که این، نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی مثبت بین شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه، با هوش هیجانی در دانش‌آموزان است.

با توجه به اهمیت فوق‌العاده‌ی هوش هیجانی و نگرش مذهبی در میان قشرهای گوناگون جامعه، به ویژه دانش-آموزان؛ و نقش شیوه‌های فرزندپروری در رشد و پرورش آنان، پیشنهاد می‌شود که دستگاه‌های مسئول هم تلاش خود را بر روی تربیت روانی و بدنی دانش‌آموزان متمرکز کنند و با فراهم آوردن برنامه‌ی سالانه‌ی زیر نظر مربی متخصص، زمینه‌ی لازم را برای تقویت هوش هیجانی، عقلانی و جسمانی دانش‌آموزان فراهم آورند تا جامعه‌ی منسجم و بی‌تنش در آینده ساخته شود.

در انجام این پژوهش، محققان با محدودیت‌هایی مواجه بوده‌اند؛ نخست اینکه، تعداد و حجم نمونه به اندازه‌ی کافی بزرگ نیست. دوم اینکه، روش جمع‌آوری اطلاعات، پرسش-نامه‌های خودسنجی است که روش بسیار معتبری برای جمع-آوری اطلاعات به حساب نمی‌آید. سوم اینکه، این پژوهش منحصر به دانش‌آموزان پایه‌ی هشتم شهر اراک است، که تعمیم آن به گروه‌های دیگر، باید کمی با احتیاط صورت گیرد.

نتیجه‌گیری

با توجه به نتیجه‌های پژوهش و فرمایش‌های قرآن کریم، مبنی بر اینکه خداوند برای هدایت انسان‌ها الگویی ارزشمند و

این فرض از تحقیق، با یافته‌های پژوهش‌های پیشین، همسو است (۱۲، ۲۱، ۲۳، ۲۵ و ۲۹). والدین دارای شیوه‌ی فرزندپروری مستبدانه، از نظر درخواست‌کنندگی - کنترل، در سطح بالا؛ و از دید پذیرندگی - پاسخ‌دهندگی، در سطح پایینی قرار دارند. در این شیوه، والدین قانون‌های خاص و روشنی دارند که فرزندان همسو با آن‌ها هستند.

نتیجه‌ی دیگر تحقیق حاضر نشان می‌دهد بین شیوه‌ی فرزندپروری مستبدانه با هوش هیجانی در دانش‌آموزان دختر پایه‌ی هشتم متوسطه‌ی اول، رابطه‌ی معناداری وجود دارد، که نتیجه‌ی این فرض از تحقیق نیز با نتیجه‌های مطالعه‌های پیشین، همسو است (۱۳، ۱۵، ۲۴، ۲۶، ۲۹، ۳۱ و ۳۲). والدین با شیوه‌ی فرزندپروری مستبد انتظار دارند که فرزندان، خواسته‌ها و تقاضاهای آنان را برآورده سازند. در این خانواده‌ها به کودکان فرصت اندکی برای تفکر درباره‌ی موقعیت‌ها یا به-کارگیری استدلال داده می‌شود. فرزندان این گروه از والدین، دچار تعارض هستند و نوسان‌های خلقی دارند و در مدرسه عملکرد خوبی ندارند (۲۳). بنابراین، می‌توان گفت که والدین دارای شیوه‌ی فرزندپروری مستبدانه، خودمختاری را از کودکان می‌گیرند و مانع تجربه‌های خلاقانه‌ی کودکان می‌شوند. آن‌ها همچنین موجب می‌شوند که کودک نتواند احساسات و هیجان‌های خود را به صورت مثبت ارضاع و کنترل کند؛ بنابراین کودک دچار ضعف هوش هیجانی و اجتماعی خواهد شد.

نتیجه‌ی دیگر تحقیق نشان داد که بین شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه با نگرش مذهبی در دانش‌آموزان دختر پایه‌ی هشتم متوسطه‌ی اول، رابطه‌ی معناداری وجود دارد. نتیجه‌ی این فرض از تحقیق هم با یافته‌های مطالعه‌های انجام گرفته، همسو است (۲۱، ۲۳، ۲۵ و ۳۱). این گروه از والدین، هم پذیرنده و هم پاسخ‌دهنده هستند. آنان از نظر درخواست-کنندگی و کنترل در سطح بالاتری قرار دارند؛ و صمیمی و پذیرا و حمایت‌کننده‌اند. این بُعد که با شایستگی کودکان ارتباط دارد، نیرومندترین و دائمی‌ترین اثرها را بر رشد کودک دارد. در این شیوه، مجموعه‌ی از حمایت اجتماعی، ارتباط دوسویه، پذیرندگی، پاسخگویی و شکیبایی نسبت به فرزندان دیده می‌شود. بنابراین، کودک با استفاده از شناخت خود و اطلاعاتی که از والدین کسب می‌کند، می‌تواند نگرش مذهبی خود را به سویی که با آگاهی کامل شناخته است، سوق دهد. پس در این شیوه، فرزندان با شناخت، باورهای خود را به سویی مشخص سوق می‌دهند. همچنان‌که نتیجه‌ی این تحقیق نشان داد، در سبک فرزندپروری مقتدرانه، نگرش

4. Steinberg L. D, Lamborn S, Darling N.S, Mounts N .M, Dornbusch S. Over-time changes in adjustment and competence among adolescents from authoritative, authoritarian, indulgent and neglectful families. *Child Development*.2002;65(3): 754-70.
5. Egall E, Kroll J, Carry K, Johnson M , Erickson P . Personality scale and religiosity in a US outpatient sample. *Personality and Individual Difference Journal*.2009; 37(4):1023- 31.
6. Ke-Ping Y, Xiu-Ying M. A study of nurses' spiritual intelligence: A cross-sectional questionnaire survey. *International Journal of Nursing Studies* .2007;44(6): 999-1010.
7. Fountoulakis K.N, Melina S, Stamatia M, Kaprinis G. late-life depression, religiosity, cerebrovascular disease, cognitive impairment and attitudes towards death in the elderly, Interpreting the data. *Medical Hypotheses*.2008; 70(3): 493-6.
8. Levin J. S, Taylor R. J. Panel analyses of religious involvement and well-being in African-Americans, Contemporaneous vs longitudinal effects. *Journal for the Scientific Study of Religion*.1998; 37(4): 695-709.
9. Bar-on R. The emotional quotient inventory(E-Q-I): Technical manual. Toronto Canada: Multi Health Systems, 1997, 69.
10. Salovay P, Carso D, Mayer JD. Emotional intelligence. In Sternberg RJ, editors. *Handbook of intelligence*. 2th Ed. New York: Cambridge, 2002, 20-210.
11. Bradbarri T, Greevez J. Emotional intelligence. Translator: Ghanji M. 1th Ed. Tehran: Savalan, 2005. (Persian)
12. Matejevic M. Jovanovic D. Parenting style, involvement of parents in school activities and adolescents' academic achievement. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*. 2013;128: 288 -93.
13. Zabihollahi K, Lavasani M, Ezhehi J. The Relationship between Perceived Parenting Styles, Emotional Intelligence and Self-Handicapping. *Journal of psychology*. 2012; 16(4): 339-354.(Full Text in Persian)
14. Abbasi R, Roshan Chesli R. The relationship between child rearing styles and emotional intelligence in students. *Journal of psychology*. 2010;10(43):38-43.(Full Text in Persian)
15. Koshki Sh, Khalilifar M. The study of religion attitude and locus of control in college students.*Journal of Andeshieh va rafter*. 2010; 4(13): 33-46. (Full Text in Persian)
16. Nonnemaker J. M, McNeely C. A, Blum R. W. Public and private domains of religiosity and adolescent health risk behaviors: Evidence from the National Longitudinal Study of Adolescent Health. *Social Science & Medicine*.2003; 57(11): 2049-54.
17. Paek E. Religiosity and perceived emotional intelligence among Christians Original Research

متعالی در معرض دید آن‌ها قرار داده است و می‌فرماید: «پس به درستی که پیامبر برای شما اسوه‌ی نیکویی است»، قرآن کریم نیز از تأثیرگذاری رفتار و گفتار خانواده بر فرزندان خبر می‌دهد، که بسیاری از اقوام منحرف گذشته به سبب آداب و رفتار خانواده‌های خود، به دره‌ی هولناک رذیله‌های اخلاقی سقوط کردند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «و هنگامی که کار زشتی انجام می‌دهند، می‌گویند: پدران خود را بر این عمل یافتیم» (۳۷). در آیه‌ی دیگر نیز می‌فرماید: «و هنگامی که به آن‌ها گفته شود از آنچه خدا نازل کرده است، پیروی کنید، می‌گویند: نه، ما از آنچه که پدران خود را بر آن یافتیم، پیروی می‌کنیم» (۳۸). بنابراین، می‌توان این‌گونه بیان کرد از میان روش‌های فرزندپروری، روش فرزندپروری مقتدرانه می‌تواند هوش هیجانی را در دانش‌آموزان پیش‌بینی کند. گرچه روش مقتدرانه برای پیش‌بینی نگرش مذهبی معنادار به دست نیامد، به نظر می‌رسد که برای داشتن نگرش مذهبی در دانش‌آموزان، باید به روش‌های اقتدارگرایانه به همراه ایجاد جوّ پرسش و پاسخ در خانواده، توجه جدی کرد. در این صورت است که این شرایط، هوش هیجانی دانش‌آموزان را که برای تاب‌آوری در برابر استرس و مشکل‌های زندگی برای آن‌ها ضروری است، فراهم می‌سازد. از سویی، روش‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه نه تنها به نگرش مذهبی، که به هوش هیجانی دانش‌آموزان هم منجر نخواهد شد. افزون بر این، روش‌های فرزندپروری مستبدانه هرچند در شکل‌گیری نگرش‌های مذهبی نقش دارد، چون یک‌سویه است و امکان بررسی و پرسش را به دانش‌آموزان نمی‌دهد، به رشد هوش هیجانی در آن‌ها منجر نمی‌شود. جالب اینکه در آموزه‌های دینی و اسلامی آمده است که دوره‌ی نوجوانی، دوره‌ی مشورت‌گیری و مشورت‌دهی به نوجوانان است، که در ضمن این، به‌گونه‌یی به روش فرزندپروری اقتدارگرایانه اشاره شده است.

References

1. Baumrind D. Effective parenting during the early adolescent transition. In: Cowan PA, Hetherington EM, editors. *Family transitions*. 2th Ed. New Jersey: LEA, 1998,111-63.
2. Mayer DJ, Salovey P. What is emotional intelligence: In Salovey P, Sluyter D, editors. *Emotional development and emotional intelligence: Implication for educators*. 1th Ed. New York: Basic, 1997, 3-31.
3. Diaz Y. [Association between parenting and child behavior problems among Latino mothers and children]. Doctoral dissertation, Maryland: University of Maryland 2005.

- Article Personality and Individual Differences. 2006; 41(3): 479-90.
18. Baba khiroaldin J, Esmaili B, Gholam zadeh M. The relationship between child rearing styles and identity styles in adolescents. *Journal of psychology*. 2010;2:161-75. (Full Text in Persian)
19. Meher Afrooz H. The relationship between child rearing styles with locus of control and educational achievement. *Journal of psychology and education*.1998;1(2):21-32. (Full Text in Persian)
20. Shoshtarín Z, Ameli F. The impact of emotional intelligence on Attitude and performance of force work. *Journal of healthy work*. 2009;2(7):47-53. (Full Text in Persian)
21. Firooz samadi M, Aghajani T , Shaterian F. The relationship between religion attitude and social competency with meta-cognition. *Journal of sociology studies*. 2013;4(11):95-110. (Full Text in Persian)
22. Sayadi Tooranloo H, Jamali R, Mirghafoori H. The relationship between Islamic training and intelligence in college students, *Journal of new thoughts of religion*, 2007;3(13): 145-72. (Full Text in Persian)
23. Risse F. The development of human: the developmental psychology from birth to death. translator: Foroghan M. 1th Ed. Tehran: Arjmand, 2008. (Persian)
24. Zarghar Y, Najarian B, Naami A. The relationship between personality characteristics with religion attitude and marital satisfaction with readiness to addiction in Ahvaz personnel's. *Journal of education and psychology*. 2007;3(15):99-120. (Full Text in Persian)
25. Rezaei A, Khodakhah Sh. The relationship between child rearing styles and epistemology attitudes with educational achievement in students. *Journal of education and psychology*. 2009;2(5):117-34. (Full Text in Persian)
26. Chabooki nejad Z, Hosseinian S. The relationship emotional intelligence with religion attitude in college students. *Journal of women*. 2010; 8(6):31-48. (Full Text in Persian)
27. Haajian A.R, Sheikhsalami M, Hoomae R. The relationship between spiritual intelligence and emotional intelligence. *Journal behavioral science researches*.2012;10(6):500-9. (Full Text in Persian)
28. Aminabadi N. The impact of maternal emotional intelligence and parenting style on child anxiety and behavior in the dental setting. *Medicina Oral Patologia Oral y Cirugia Bucal*. 2012;17 (6): 89-95.
29. Sanders M.R, Triple p. Positive parenting program: A population approach to promoting competent parenting. *Australian e-journal for the Advancement of Mental Health*. 2003;2(3):1-17.
30. Narjes K. Z, Hejazi E. The Mediating role of self-esteem in the relationship between authoritative parenting style and aggression. *The Procedia - Social and Behavioral Sciences*.2011; 30:1724 –30.
31. Champika K. S, Andrea W. Mediating perceived parenting styles–test anxiety relationships: Academic procrastination and maladaptive perfectionism. *Learning and Individual Differences*. 2014;34: 77–85.
32. Boz A, Ergeneli A. Women entrepreneurs' personality characteristics and parents' parenting style profile in Turkey. *Procedia - Social and Behavioral Sciences* .2014;109:92 –7.
33. Asghari P, Safar zadeh S. The relationship between religion attitude, psychological well-being and depression with educational performance. *Journal of knowledge and research in Applied psychology*. 2013;14(1):92-9. (Full Text in Persian)
34. Atchley R. C. The subjective importance of being religious and its effect on health and morale. *Journal of Aging Studies*.2002; 11: 131-52.
35. Ardahan F. Life Satisfaction and Emotional Intelligence of Participants/Nonparticipants in Outdoor Sports: Turkey Case. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*.2012; 62: 4-11.
36. Wender Z, Willford J. *Developmental psychology*. Translator: Ghanji H. 1th Ed. Tehran: Savalan, 2006. (Persian)
37. Holy Quran, Sura of Al-Araf (The Heights), Verse 28.
38. Holy Quran, Sura of Al-Baghrāh (The Cow), Verse 17.